



جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

هوشنگ کردستانی

بیانیه جبهه ملی ایران:

بحرانهای شدید کشور را با افزودن فشار بر جامعه و برخورد های پلیسی - امنیتی نمی توان چاره کرد

هموطنان عزیز، با نگاهی جستجوگر به کارنامه جریانها و گروههای سیاسی در پی رویداد انقلاب سال ۵۷، حقیقت بر همگان روشن خواهد شد که جبهه ملی ایران در زمینه آگاهی دادن به ملت، هشدار به حاکمیت در تمامی مسائل اساسی، با پذیرش هزینه های سنگین، تا مرز اعلام ارتداد، همیشه در صحنه بوده و از منافع ملی کشور با صراحت دفاع کرده و از طرح شدیدترین نقدها پروا نکرده است.

ما از گام نخست، نسبت به نحوه شکل گیری مجلس نخبگان قانون اساسی و اشکالات پیش نویس اولیه، با صراحت اعلام موضع کردیم و ایجاد یک ساختار حکومتی متکی بر ایدئولوژی مذهبی و سپردن همه قدرتها را به یک گروه انحصار طلب نا آشنا به مسائل جهان امروز، نادیده انگاشتن اصل برابری شهروندی برای همه باشندگان بدون هر گونه تبعیض از لحاظ جنس، نژاد، مذهب، و برقراری نوعی تفتیش عقاید، که راه بر آزادی اندیشه و بیان و در نتیجه بویابی جامعه سد می سازد، بدون کوچکترین ملاحظه کاری، به عنوان انحرافهای اساسی از هدفها و خواسته های بنیادین ملت ایران اعلام داشتیم. بقیه در ص ۶

یک ملت، یک ملیت

استقرار نظام خودکامه و سرکوبگر اسلامی که سردمدارانش بنام نماینده الله بر روی زمین خود را بی نیاز از پاسخگویی به مردم می دانند، در بیست و هشت سالی که گذشت، شرایط دهشتناکی را در کشور ما پدید آورده که هیچ ایرانی از آتش خانمانسوز و ویرانگر آن برکنار نبوده است.

پی آمدها و زیانهای جانی، مالی، معنوی، اقتصادی و فرهنگی این نظام ضد انسانی و ضد ایرانی در برگیرنده همه مردم ایران بطور یکسان و بدون استثناست.

اگر چه بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی و احکام شریعت، مردم ایران - زنان، مردان و پیروان ادیان - از حقوق یکسان برخوردار نیستند ولی شک نیست که اقوام و مردمان استانها - به ویژه استانهای مرزی - مورد آزار و ستم بیشتری قرار دارند.

برای نقطه پایان گذاردن بر این شرایط دردناک و خاتمه بخشیدن به عمر استبداد مذهبی و تحقق آرمانهای تاریخی ملت ایران (آزادی و حاکمیت مردم) و پدید آوردن یک جامعه زنده، فعال و پویا تنها راه، گرد آمدن ایرانیان به زیر پرچم پیکار ملی است.

طرح هر نوع شعار دیگر - از سوی هر حزب، سازمان و شخصیت سیاسی - دانسته و نادانسته، انحراف از راستای درست و خط اصلی مبارزه ملی بوده که دست کم، عامل بزرگ پراکندگی آزادیخواهان در به تأخیر انداختن زمان پیروزی است.

آنچه تاکنون، ما را از خط اصلی مبارزه ملی در راستای رهایی ایران باز داشته: - پرداختن به گذشته ای که قابل بازگشت نیست.

بقیه در ص ۴

در این شماره می خوانید:

- یک ملت، یک ملیت هوشنگ کردستانی
- بحران های شدید کشور را با افزودن فشار بر جامعه و برخورد های پلیسی ... بیانیه جبهه ملی ایران
- متن سخنرانی در گردهمایی پاریس مهندس مسعود هارون - مهدوی
- زاد روز پیشوای آزادی روابط عمومی حزب ملت ایران
- در اوضاع حساس کنونی ... ناصر مستشاری
- دکتر پرویز ورجاوند، فرزند شایسته ملت ...
- خبرهای ورزشی جبهه ملی ایران - اروپا
- برده شعری از بهار سعید

متن سخنرانی در گردهمایی پاریس

حضار محترم، هم‌زمان گرامی، دوستان عزیز،

اجازه بفرمائید بنام یک عضو جبهه ملی و مسئول سازمان حقوق بشر «زندگی کن و بگذار زندگی کنند» در آلمان، در بدو امر از یکایک شما به خاطر حضورتان در این گردهمایی سپاسگزاری نموده و از زحماتی که برای برگزاری این تجمع متحمل شده اید به سهم خود تشکر نمایم.

هم میهنان گرامی! رویدادها و حوادثی که در این ۲۸ سال در ارتباط با مردم سرزمین ما ایران و همچنین خاور میانه رخ داده. ارمغانی بجز فلاکت و ظلم و ستم و کشته شدن صدها هزار انسان بیگناه و بجاکذاشتن هزاران جوان معلول و تجاوز به حقوق اقوام و اقلیت های مذهبی نتیجه دیگری نداشته است. تحمیل چنین سیاستی و سرنویشت شومی که تاریخ ما مکرراً شاهد بر آن بوده، باید برای همه ما تجربه ای بوده و از آن درس گرفته باشیم. متأسفانه باید عرض کنم، تمامی این رویدادها خلاف آمال و آرزوهای ملت ایران و کاملاً مغایر با اهداف گروه های ملی آپوزیسیون - که در رأس آنها سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی و جایگزینی یک حکومت مردمسالاری برگزیده از ملت ایران قرار دارد - بوده است.

حضار محترم،

به جای اینکه به وعده و وعیدها و اظهارات دولتمردان کشورهای صنعتی قدرتمند که متأسفانه کمتر با اعمالشان همخوانی دارد توجه کرده و دل خوش داشته باشیم، باید به همبازی مردم ایران و امکانات گسترده ای که بسیاری از ایرانیان در اختیار دارند تکیه کرد، تا بتوانیم نسبت به برآوردن آرمانها و آرزوهای ملی مردم ایران جامه عمل ببوشانیم، تا این رژیم غیر مردمی آخوندی را به انزوای کامل کشانده و به حیاتش پایان بخشیم.

نقش انرژی یعنی نفت و گاز، که رابطه مستقیم با افزایش جمعیت و بالا رفتن سطح زندگی مردم دنیا دارد، به طبع اثرات زیادی در فضای سیاسی جهان، بویژه در خاورمیانه که بالاترین میزان صادرات نفت را داراست، گذاشته است. یکی از علل مهم درگیری ها و ادامه جنگ و جدال ها و کشتار مردم در این منطقه دست پیدا کردن و سهیم شدن در این منافع می باشد. تلاش ایالت متحده آمریکا برای حفظ موقعیت ابرقدرتی خود از طرفی و تحولات و پیشرفت های سریع کشور چین در زمینه های اقتصادی و نظامی از طرفی دیگر و نیز ازدیاد جمعیت دنیا در چند دهه اخیر که افزایش پیش بینی نشده ای در مصرف انرژی پدید آورده است، این دو مدعی را وارد گود مبارزه ای کرده که اثرات دست و پنجه نرم کردن آنان را از هم اکنون می توان احساس کرد. از طرفی دیگر روسیه با عقد قراردادهای متعدد اقتصادی با ایران، منافع سرشاری از این راه تا امروز نصیبش شده. به همین خاطر هم ادامه نظام جمهوری اسلامی را به یک نظام مردمسالار که احتمالاً بیشتر متمایل به دموکراسی غربی باشد ترجیح می دهد.

متأسفانه در حال حاضر اکثر اطلاعات سیاسی و قرائن بین المللی خبرهای خوشی را برای ملت ایران بهمراه ندارد و ایرانیانی که از حکومت اسلامی بگونه ای به تنگ آمده اند که نمی دانند از چه حرکت و سیاستی باید حمایت کنند. می دانیم که حاکمان اسلامی حتی به قیمت از بین بردن مردم ایران و تاراج منابع ملی نیز حاضر نیستند از پست ها و مقام هایشان صرف نظر کنند، از این رو تصور اینکه از درون نظام فعلی تحول یا معجزه ای

به سود توده مردم صورت گیرد، بیشتر جنبه خواب و خیال دارد تا واقعیت. توجه داشته باشیم که ادعاهای مقامات آمریکائی برای برپائی دموکراسی در ایران بعید و از واقعیت بدور بنظر می رسد. اخیراً هم مدیرکل وزارت خارجه آمریکا در برنامه «صدای آمریکا» این ادعا را منکر شده و رد می کند. در این رابطه اظهار می کند که این وظیفه ما نیست، باید مردم خودشان نوع نظامی را که می خواهند تعیین کنند که البته به نظر من حرفش بی اساس نیست.

هیچ ایرانی وطن پرستی با هر ایدئولوژی و تحت هر شرایطی، تجاوز به خاک و وطنش را نمی تواند قبول کند و مورد تأیید قرار دهد. از این رو حاکمان اسلامی با بهره گیری از احساسات مردم و تجربیاتی که در جنگ ایران و عراق بدست آورده اند از این احساس میهن دوستی نهایت سواستفاده را برده و تبلیغات وسیعی در این زمینه برپا کرده اند.

اخیراً از طریق نفوذ عوامل خودشان در خارج از ایران در فرستنده های رادیو تلویزیونی فارسی زبان در آمریکا و دیگر کشورها سعی دارند احساسات مردم بخصوص نسل جوان را بیازی گرفته و پشتیبانی آنان را بدست آورند.

عوامل جمهوری اسلامی در خارج از کشور که به اصطلاح سنگ دلسوزی برای ملت ایران را به سینه می زنند، در حقیقت سعی دارند که پل ارتباطی مابین حکومت اسلامی و مقامات آمریکائی ایجاد نمایند و از این طریق نظام جمهوری اسلامی را تداوم بخشند. که تا حدی هم موفق شده اند.

از طرف دیگر باز این سؤال پیش می آید، اشخاصی که تا این حد دلشان برای جمهوری اسلامی می سوزد و نسبت به آن دلبستگی داشته و این چنین در دفاع از آن داد سخن می دهند، چرا کشور آمریکا را که رهبران جمهوری اسلامی به آن لقب شیطان بزرگ داده اند برای زندگی کردن انتخاب نموده اند؟ آیا بهتر نیست که این شیفتگان ولایت فقیه و حکومت اسلامی به همان بهشت برین که مستبدین اسلامی برای ملت ایران ساخته اند برگردند؟

البته همه ما می دانیم که تخصص حاکمان جمهوری اسلامی ساختن بهشت برین نبوده و نخواهد بود، بلکه طینت آنان تنها با ایجاد یک جهنم واقعی توأم با شکنجه، آزار و اعدام هم خوانی داشته و دارد و متأسفانه بیش از ۲۸ سال آزار است که ملت ایران را بصورت اسیر و برده گرفته اند.

امروز مردم ایران بر این باورند که تغییر و تحولات اساسی و پایدار در ایران تنها با برکناری کل نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه امکان پذیر است و بس.

بنابراین، آپوزیسیون باید طرح و برنامه مبارزاتی اش را تنها با اتکاء به امکاناتی که خود دارد و مردم ایران در اختیارش می گذارند پایه گذاری نماید و با طرحی وسیع و محاسبه شده، امکانات لازم را برای یک حرکت گسترده ملی فراهم آورد و فارغ از هر نوع امید بستن به کمک و یاری از طرف دولت های بیگانه به فعالیتهای خود ادامه دهد.

آپوزیسیون نباید تحت تأثیر خبرهایی که از طریق خبرگزاری ها نسبت به ایران و جمهوری اسلامی پخش می شود قرار گرفته و تغییری در برنامه های اساسی و فعالیت های سیاسی خود بدهد و همچنین اجازه ندهد که پخش خبرهای کاذب و وقفه و تزلزلی در کار مبارزات ملی ایجاد نماید.

حال با تجربیاتی که از این رویدادها بدست آورده ایم که متأسفانه نتایج بسیار منفی بهمراه داشته تغییر رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر ایران تنها با اتکاء به مردم ایران می تواند امکان پذیر باشد. بنابراین هر نوع برنامه ای که در آینده از طرف آپوزیسیون برای نجات مردم ایران تهیه و مورد نظر قرار می گیرد می باید با چنین برداشتی صورت گیرد.

ای آفریدگار پاک

تو را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

اگر ویژگی های دولت مدرن شامل موارد زیر بدانیم:
الف - تأمین امنیت فراگیر در کلیه زمینه ها بدون تبعیض به شیوه قانونمند

ب- استقرار قانون و تبعیت از آن
ج- فراهم کردن زمینه های مشارکت مردم در تصمیم گیری های سیاسی از طریق انتخابات آزاد.

در آن صورت با افتخار باید گفت که دولت مصدق یک دولت مدرن و دموکراتیک به مفهوم علمی آن بود. پس از سخنان دکتر مولانی سروده ای از زنده یاد مهدی اخوان ثالث با صدای خود شاعر بخش گردید. آنگاه دکتر محمود مصدق از حضور خانم ها و آقایان در این آیین سپاسگزاری نمود.

از چهره های سیاسی حاضر می توان به آقایان مهندس معین فر، مهندس سبحانی، مهندس امیرانظام، محمد بسنه نگار، حسین شاه حسینی، دکتر احمد ساعی، دکتر ابوالقاسم فروزان، دکتر احمد سپهری، سرهنگ بازنشسته نصرالله توکلی نیشابوری، دکتر پرویز ورجاوند، ادیب برومند، مهندس بامداد ارفع زاده، مهندس سیاوش سمیعی، دکتر هرمیداس باوند، کورش زعیم، عیسی خان خاتمی، مهندس وحید میرزاده، مهندس محمود زندیان، مهندس اشکان رضوی و محمد رضا کثرائی. همچنین از هموندان حزب ملت ایران، مهندس بهرام نمازی، محمد گرگین، فرزین مخبر، اسماعیل فراهانی اشاره نمود.

این آیین با خواندن سرود «ای ایران» در ساعت ۱۳ در نهایت نظم و آرامش پایان یافت

تهران - روابط عمومی حزب ملت ایران، شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۶ خورشیدی

متن سخنرانی گردهمایی پاریس
بقیه از ص ۲
همرزمان عزیز و گرامی،

توانمندی حریف را نباید دست کم گرفت. همانطور که در مورد قدرتمندی و دانائی خود نباید غلو کرد. بهمین خاطر چنانچه خواسته باشیم که توانائی حکومت جمهوری اسلامی را ارزیابی کنیم و در مقابله با آن راه کاری ارائه دهیم که درست از کنار در آمده و نتیجه آن توأم با موفقیت باشد. حتماً باید واقع بین بود، بهیچوجه نباید تحت احساسات درونی و آرزوهای غیر شدنی خود قرار گرفته و آنرا در محاسبه هائی که بعمل می آوریم و طرحهائی که میدهیم دخالت دهیم.

حکومت جمهوری اسلامی با مکر و حيله تاکنون توانسته با سؤاستفاده از اعتقادات مذهبی مردمان ساده اندیش و خوش باور، این نیروی عظیم و سرمایه معنوی و ارزشمند را در جهت منافع خود بکار گیرد و اعتقادات مردم را که می توانست آرام بخش روح آنان باشد، بصورت یک اسلحه خطرناک در آورده و بر علیه خود آنان بکار گرفته است. وسیله دیگری که جمهوری اسلامی را دوام بخشیده میلیاردها دلار درآمد نفت و گاز و غیره بوده که جمهوری اسلامی در زمینه اهداف مغرب خود به مصرف رسانده. تنها مبلغ ناچیزی از آن برای مردم ایران یعنی صاحبان اصلی این سرمایه هزینه شده. بقیه یا به حسابهای شخصی این حاکمان سرازیر شده و یا خرج اجرای اعمالی میشود که مغایرت با منافع ملت ایران دارد.

متأسفانه علاوه بر کشورهای چین و روسیه و ممالک کوچک دیگری که سرسپرده و وابسته به این دو ابرقدرت هستند، به دلایل گوناگونی که در دست است، اتحادیه اروپا، بخصوص کشورهای انگلیس و آلمان و فرانسه و ایتالیا و حتی دولتهای اسرائیل و آمریکا هم به نحوی از حکومت جمهوری اسلامی پشتیبانی و حمایت می کنند. ادامه داشتن حکومت جمهوری اسلامی خود دلیلی است بر این گفته. این کشورها نه دل بستگی به مردم ایران و نه به اسلام و اسلامیت دارند، بلکه این دوستی ها تنها بخاطر منافع سرشاری که تا کنون از طریق واردات و صادرات و اهداف سیاسی با ایران داشته اند بوده.

بقیه در ص ۸

زادروز پیشوای آزادی

آیین بزرگداشت یکصد و بیست و پنجمین زادروز پیشوای نهضت ملی ایران، دکتر محمد مصدق که قرار بود در روز جمعه ۲۸ اردیبهشت برگزار شود به علت عدم موافقت مسئولین، با حضور گروهها و احزاب ملی، استادان، دانشجویان، جوانان و مردم قدرشناس احمدآباد در محوطه قلعه احمدآباد در ۲۹ اردیبهشت برگزار گردید.

نخستین گروهی که در کنار مزار پیشوا گردآمدند، یاران و هموندان حزب ملت ایران بودند تا چونان داریوش و پروانه فروهر رهبران شهید حزب، جان شیفته خود را در آن فضای پرشکوه، به درگاه عشق به ایران بسپارند.

آقای خسرو سیف دبیر حزب ملت ایران از نخستین ساعات امروز برای ساماندهی این آیین در قلعه احمدآباد حضور یافته بودند.

گروه جبهه ملی ایران، گروه مجله فردا و دیگر دلباختگان ایران عزیز از اصفهان، گیلان، مازندران، سمنان، کرمانشاه و دیگر نقاط میهن با دسته هایی از گل در محوطه قلعه گرد آمدند تا به پیشوای بزرگ نهضت ملی ایران ادای احترام کنند.

آقای حسین سکاکی کوشنده دیربای نهضت ملی ایران ساعت ۱۰ برنامه برگزاری این آیین را اعلام نمود.

آقای مهندس حسین عزت زاده به بررسی جایگاه اجتماعی و خدمات دکتر مصدق پرداخت و به ویژگی های پیشوای نهضت ملی ایران در مبارزه هم زمان با استبداد و استعمار اشاره نمود:

آقای زرین از خطه قهرمان پرور کرمانشاه و کی از کفن پوشان قیام ملی ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱، با ذکر خاطراتی از مبارزات نهضت ملی ایران به تجلیل از دکتر مصدق و شهید نهضت، دکتر سیدحسین فاطمی پرداخت.

سپس قطعه شعری از آقای ادیب برومند قرائت شد و آنگاه دکتر یوسف مولائی نویسنده، حقوقدان و استاد دانشگاه سخن گفت.

دکتر مولایی یادآور شد که هنر بزرگ مصدق این است که در قالب پروژه ملی کردن صنعت نفت به طراحی و مهندسی استقرار حاکمیت ملی دموکراتیک می پردازد.

از نظر دکتر مصدق، آزادی و استقلال غیر قابل تفکیک می باشد. ملی کردن صنعت نفت که یک پروژه است و حق تعیین سرنوشت یک فرایند تاریخی است، در این روند تاریخی مشارکت فعال و آگاهانه مردم، استواری و پایداری آنها نقش تعیین کننده ای ایفا می کند.

دکتر مولایی گفت: پیروزی در مبارزه ملی کردن صنعت نفت، تجربه اعتماد بنفس و توانمندی لازم برای رسیدن به پیروزی بزرگتر که استقرار حاکمیت دموکراتیک می باشد را فراهم می کند.

انگیزه و دغدغه اصلی پیر راست قامت و سرافراز میدان سیاست ایران بسیار فراتر از ملی کردن صنعت نفت بود و ملی کردن صنعت نفت آن ظرفیت و استعداد و فضای لازم را برای بسیج مردم و مشارکت آنان را در پی ریزی زیربنای حاکمیت ملی، مدرن و دموکراتیک فراهم می کند.

هدف اصلی مبارزات او اثبات این امر بود که مردم ایران رشید، عاقل و بالغ بوده و حق و شایستگی اتخاذ تصمیم و اجرای آن را در مسائل ملی بدون نفوذپذیری و تبعیت از قدرتهای استعماری دارد.

یک ملت، یک ملیت

بقیه از ص ۱

- مطرح کردن برنامه هایی که زمان طرح و اجرای آن تنها پس از پیروزی ملی و رسیدن به آزادی و حاکمیت مردم است.

به انحراف کشاندن مسیر پیکار سرنوشت ساز ملی با مسایلی از قبیل طرح فدرالی شدن استانها و قوم ها و پافشاری روی واژه هایی که به نادرست وارد فرهنگ سیاسی ایران شده اند.

اینها موضوعاتی هستند که طرح آن ها در شرایط کنونی نه تنها کمکی به رهایی ملی نمی کند بلکه، باعث شده تا بیست و هشت سال استبداد مذهبی بر مملکت حاکم باشد و جان، مال و هستی مردم و سرنوشت امروز و آینده کشور باز یجۀ امیال و خواسته های نامشروع سردمداران طماع و ضد ایرانی قرار گیرد.

اصرار و پافشاری بر تاریخ - بویژه معاصر - که قابل برگشت نبوده و زندگی کردن در گذشته ای که مانع بزرگ پرداختن به مسایل حیاتی امروز بوده و ما را از طرح مسایل اساسی کنون و آینده ایران باز داشته است، به دور از واقع بینی سیاسی و تجربه مبارزاتی است.

شگفتی اینجاست که افزون بر آنکه زندگی کردن در گذشته بدور از خرد سیاسی و باز دارنده بررسی مسائل روز است، پافشاری در تحمیل کردن نظریات و دیدگاه ها بر دیگران و اصرار بر اینکه همه باید گذشته تاریخی ایران را تنها از چشم انداز و دیدگاهی که ما به آن می نگرییم بنگرند و تفسیرهای ما را بپذیرند، همان کاریست که سردمداران اسلامی کرده و می کنند.

مگر نه آنست که سردمداران اسلامی تلاش دارند تا مردم همانند آنها فکر کرده، بیان و عمل کنند.

برخی از مخالفان استبداد و خودکامگی، ضمن دفاع از اصل آزادی مردم و اعتقاد بر اینکه وجود آزادی در کشور عامل بزرگ پیشرفت، سازندگی و شکوفایی استعدادها است، آگاه یا ناآگاه خواهان آنند که دیگران همچون آنها بیندیشند و بیان کنند.

مطرح کردن برنامه ها یا اصولی که زمان طرح و اجرای آن موکول به پس از پیروزی ملی و رسیدن به مردم سالاری است، نه تنها کمکی به تغییر دگرگونی شرایط کنونی نمی کند بلکه کمک به بقای استبداد مذهبی حاکم بر کشور است.

طرح گزینش نوع نظام آینده کشور که از حقوق مسلم ملت ایران است در شرایط کنونی (که ملت ایران آزادی تصمیم گرفتن پیرامون آن را ندارد) هیچ مشکلی را حل نمی کند.

بی تردید فردای پیروزی و استقرار دولت موقت ملی، شرایطی در کشور پدید خواهد آورد که دلایل برتری نظام های سیاسی کشور مطرح شود و مردم آگاهانه نمایندگان مجلس مؤسسان را برگزینند و سرانجام، این مجلس مؤسسان منتخب مردم است که نوع نظام آینده را تعیین و برای تصویب به همه پرسى مردم خواهد گذاشت.

همچنین است طرح مسئله نظام اقتصادی، فرهنگی، مالی، قومی و ...

در شرایطی که ملت ما نیاز به همبستگی و پیوند و یگانگی دارد و تنها نیرویی که می تواند ملت ما را از جهنمی که استبداد مذهبی به ارمغان آورده است رهایی دهد، نیروی بزرگ همبستگی ملی است. طرح شعارهای ملت ها و ملیت ها واژه های نادرستی که پس از پیروزی حزب کمونیست در روسیه توسط مارکس گرایان وارد فرهنگ سیاسی ما شده، انحراف از راستای درست مبارزه آزادیخواهانه ملت ایران است.

در سال ۱۹۱۷ که در اثر انقلاب یا کودتا، حزب کمونیست در روسیه بقدرت رسید، مدت زمانی کوتاه کشورها و ملت هایی که بصورت مستعمره روسیه تزاری درآمده بودند آزاد گردیدند. این آزادی زیاد بطول نینجامید و خیلی زود در پی سیاست کارگزاران انقلاب هر یک از آنها دوباره بصورت ملت های دارای ملیت گوناگون وارد اتحاد شورواها شدند و جمهوری های شوروی را تشکیل دادند. با توجه به واقعیت های تاریخی، مردم این کشورها دارای ملت و ملیت های جداگانه بودند که در دوران تزارها در اثر تجاوز قشون روسیه به زور اشغال و مستعمره آن کشور گردیده بودند.

به دنبال پیدایش و شکل گیری حرکت های مارکس گرایانه و پس از آن کمونیستی در ایران، مارکس گراها و به ویژه طرفداران روسیه شوروی، بدون توجه تفاوت های شناخته شده تاریخی میان ایران و روسیه شوروی آن روز، واژه های ملت و ملیت را (که از شرایط حاکم بر روسیه شوروی ناشی شده بود) به نادرست وارد فرهنگ سیاسی ایران نمودند که بیشتر نشان دهنده عدم آگاهی تاریخی - سیاسی آنان بود.

اقوام غیور و دلاور ساکن در سرزمین ایران بزرگ که در تاریخ پر نشیب و فراز خود دست در دست و به اتفاق هم تمدن کهن و فرهنگ پربار ایرانی را پدید آورده و با وجود تمامی شکست ها و ناکامی های نظامی و محدود شدن مرزهای جغرافیایی کنونی در پایداری و ماندگاری این سرزمین باستانی فداکاریها و جانبازیها کرده اند، همواره یک ملت و دارای ملیت «ایرانی» بوده و خواهند بود. کسانی که از سرنا آگاهی و یا خوش خدمتی به بیگانه ادعا می کنند که در طول تاریخ ملتی به نام ایران وجود نداشته است از تاریخ و حتی ادبیات غنی و جهان ما بی اطلاع هستند.

واژه های ملت و ملیت آن هنگام می تواند مفهوم عملی پیدا کند که مردم کشورهای ساکن در فلات ایران (که در اثر تحولات و دگرگونی های سالهای اخیر بصورت کشورهای آزاد و ناوابسته در آمده اند) اتحادی اقتصادی و سیاسی - همچون کشورهای عضو اتحادیه اروپا - میان خود پدید آورند.

اگر کشورهای اروپایی با وجود فرهنگ و زبان های گوناگون و تاریخی سراسر آکنده از جنگ و خونریزی - بویژه دو جنگ خانمان برانداز اول و دوم جهانی - می توانند میان خود اتحادی را پدید آورند که بزرگترین قدرت اقتصادی جهان امروز را تشکیل دهد، چرا و به چه دلیل ما مردم سرزمین هایی که در درازای تاریخ دارای فرهنگ، آداب و رسوم، سنت ها و گاه زبان مشترک بوده و هستیم قادر به ایجاد چنین اتحادی نگردیم.

برای پدید آوردن چنین اتحادی از ملت ها و ملیت های گوناگون منطقه، ضروری است که نخست مردم این کشورها به آزادی و مردمی سالاری به مفهوم واقعی دست یابند و زمامدارانی را برگزینند که در راستای منافع مشترک آنها اقدام کنند و این اتحاد را به سامان رسانند.

بی تردید اتحاد سامان یافته از این ملت ها، قدرت اقتصادی و سیاسی بزرگی را بنیان خواهد گذاشت و در معادلات و داد و ستدهای سیاسی - اقتصادی قدرت های آینده جهان، نقش تعیین کننده و بسزائی خواهد داشت.

در اوضاع حساس کنونی، باعث شادی دشمن مشترک خود نشویم!

دشمن مشترک همه ما حکومت اسلامی می باشد، این دشمن حتی در قیل از انقلاب اسلامی و ارتجاعی ۱۳۵۷ خورشیدی نیز دشمن مشترک همگان بود. در دورانی که هنوز شاه در اریکه قدرت بود، این ملایان بودند که دشمن ترقی خواهی و دمکراسی و مدرنیته بودند و آنها همواره بانی همه عقب ماندگی های سده های گذشته بودند. ناصرالدین شاه قاجار سه بار به خارج سفر کرد تا از پیشرفت های اروپا در عصر خود باخبر شود، او در سفر هایش به اروپا از ترقیات آنها در حیرت فرو می رفت و عزم آن می کرد که همه آن پیشرفت ها را به ایران بیاورد اما در برگشت از سفر فرنگ، آخوند ها همه ی آرزوهایش را نقش بر آب می کردند و از اقدام هر گونه نوسازی جلوگیری می کردند. عصر قاجار بدان سان گذشت و انقلاب مشروطیت که حامل پیام پیشرفت و ترقی بود اما به شکست انجامید. با ادامه جامعه عقب مانده که همواره آرزوی ملایان بوده است تا بر شانه های انسانهای گرفتار آمده به دین اسلام و باورهای قرون وسطائی، همچنان فرمانروائی کنند، طبیعی است که سرزمین ما شاه عقب مانده و کمونیست عقب مانده هم خواهد داشت. این برهان را که گفتم اصل تغییر ناپذیر نمی باشد، بلکه در نقاطی از تاریخ جهان، شاهانی هم بوده اند که بطور استثنائی با یک جهش تاریخی باعث تحول شگرفی در جامعه گردیده اند که کارل مارکس از آنها بعنوان جوامع استثنائی یاد می کند؟ جامعه هائی مانند ژاپن، آلمان، انگلستان در تاریخ با اراده شاهان از مرحله فئودالی به دوران سرمایه داری هدایت شدند و بنیادگذار کشورهای قدرتمند و متحول در راه رسیدن به دمکراسی گردیدند. همین روند می توانست در دوران امیر کبیر و شاهان قاجار به واقعیت پیوندد که آخوندها مانع عظیمی در راه رسیدن به آن گردیدند و امیر کبیر جان خود را نیز در این راه از دست داد. یکی از تلاشهایی که می توانست همواره سنگ بنای خوبی برای تحول باشد، همانا پیشرفت علمی و پژوهشی و تحقیق و شناخت و سیاحت جهان و مبارزه با جهالت دینی و پیشرفت هنر و سینما و ورزش که می توانست جامعه را در بازشناسی توانا گرداند که طبعاً شاه در این مواقع مانعی ایجاد نمی کرد. جامعه علیرغم استبداد پادشاهی، می توانست ره آوردهای علمی را به ایران بیاورد که فقدان آن تا کنون احساس می شود. آیا اثر اقدامات احمد شاملو در همکاری با خانم فرح دیبا در راه اندازی کانون پرورش فکری و ایجاد کتابخانه و نشر و توسعه کتاب های علمی بیشتر بود یا مبارزه چریکی؟ در روزهایی که دکتر مصطفی رحیمی در رد نظریه مبارزه مسلحانه مطلب کوتاهی نوشت، چریک ها آنچنان برخورد زشتی با آن انسان فرهیخته از خود بروز دادند که شباهت زیادی با برخورد های انصار حزب الله کنونی را می توانست داشته باشد! تا کنون هیچ برخورد علمی و صادقانه با آسیب های مشی چریکی بعمل نیامده است. مشی چریکی هم مبارزه برای دمکراسی را به عقب انداخت و هم مغزها را تهی نمود و دستگاه سرکوب و شکنجه را به سیستم تبدیل نمود و تمام نیروهایی که به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشتند نیز در آتش سرکوب به مانند

هیزم تر و خشک سوختند و خاکستر شدند و تنها آخوند که به مبارزه مسلحانه هم اعتقادی نداشت در مساجد و تکایا و حسینیه ها در کنار مردم ماند و قدرت را مثل حلوا از آن خویش نمود! باری همه ما تکالیف خود را بدرستی انجام ندادیم و حالا با همه، حالت طلبکارانه برخورد می کنیم. اگر دکتر داریوش همایون که یکی از سیاست گذاران زمان شاه نیز بوده به گنگره سازمان اکثریت پیام می فرستد و چریک وزندانی سیاسی دوره شاه جمشید طاهری پور از آن بعنوان آغاز گفتمان سوسیال دمکراسی استقبال می کند، پس خود نشانه روند تفاهم و آشتی و معذرت خواهی از رفتاری های گذشته می باشد و نباید به زبان عامیانه "مته در خشخاش" بگذاریم و از یک انسان بخواهیم که نامه کتبی و توبه نامه بنویسد. در افغانستان کمونیست ها با سیاست های حزب توده ایران به این فاجعه دچار شده اند که تا صد سال دیگر به روزهای خوش و آرام ظاهر شاه نخواهند رسید. یکبار برای همیشه باید بپذیریم که کمونیست ها در همکاری با آخوند ها در انقلاب ارتجاعی و اسلامی ۱۳۵۷ خورشیدی به یک "دمل کهنه و چرکین نیشدر زدند و از درون آن دمل سرطان زا تا به امروز همچنان چرکهای کهنه از قرون و اعصار گذشته بیرون می آید!!" در حال حاضر کار ما به جایی رسیده است که باید با سنگسار کردن مبارزه کنیم!! در دوره شاه چه کسی تصورش را می کرد که کار به اینجا کشیده شود؟ سؤال اساسی از همه مبارزان راه آزادی در اینجاست که در دوره مبارزه علیه استبداد شاه آیا هنوز علیه خاندان قاجار هم مبارزه می کردیم یا نه؟ طبیعی بود که دیگر کسی علیه شاهان قاجار مبارزه نمی کرد علیرغم اینکه بقایای خاندان قاجار هنوز در خارج کشور ادعای سلطنت و برگشت به حکومت قانونی خود را تبلیغ می نمودند، چراکه سلسله شاهان قاجار دیگر منقرض شده بود و این خاندان پهلوی بود که مانع دمکراسی و آزادی سیاسی شده بود و طبیعی بود که مبارزه برای آزادی با شخص شاه روبرو شده بود نه خاندان قاجار که دیگر در حاکمیت نبودند. در حال حاضر نیز این جمهوری اسلامی است که ایران را به پنجاه سال یا بیشتر عقب تر رانده است نه حکومت پهلوی!! چشمهایمان را باز کنیم و بدون آنکه گذشته را فراموش نمائیم با تمام نیرو با دژخیم حاکم بر میهنمان به کارزار بپردازیم و فراموش نمائیم که مبارزه با این رژیم در این اوضاع بین المللی به سادگی مبارزه دوران شاه نیست این دوره، دوره ی دیگر است که باید هوشیار باشیم. باید قبول کنیم که شاه بسیار محترمانه قدرت را تحویل داد و رفت ولی این دیوانگان تاریخ تا منطقه را به آتش نکشند دست بردار نخواهند بود پس نیروهایمان را فشرده کنیم و با یاد آوری از روزهای سخت و دلخراش گذشته مانع مبارزه ی کنونی خود نشویم. من می گویم همه ما در پیشگاه تاریخ پاسخگو هستیم نه فقط شاه!! از جلال آل احمد تزویر کار که از غرق شدن صمد بهرنگی در رود ارس بهره گرفته تا یک حماسه ساخته شود، تا شاه را نابود سازد تا خونریزی درونی سازمان مجاهدین خلق که سازمان چریکهای فدائی خلق از آن پرولتریزه شدن نویدبخش یاد نمود که همه اینها مثنوی هفتاد من می شود.

شایان توجه اینجاست که صمد بهرنگی علیرغم اینکه از نام و غرق شدنش سوءاستفاده نمودند، همچنان انسان شریف و بزرگی برای ما است و او خود در این توطئه مزورانه بی تقصیر می باشد. باری تمام سخنان در این نکته خود را متجلی می کند که از دوران بقیه در ص ۷

دکتر پرویز ورجاوند، فرزند شایسته ملت ایران و از پیروان صدیق دکتر محمد مصدق و جبهه ملی ایران به ابدیت پیوست

دکتر پرویز ورجاوند، فرزانه انسانی که خورشید فروزان وجودش از سال های پیکار نهضت ملی شدن صنایع نفت ایران شکل گرفته بود تا صبحگاه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۶ همچنان فرا راه آزادگان و عاشقان میهن شد.

زنده یاد دکتر پرویز ورجاوند سازمان دهی مبتکر و آموزگاری خردمند برای هم رزمان و دوستان مبارز خویش بود. چه در دوران نظام خودکامه پادشاهی و چه در زمان استبداد مذهبی، ورجاوند هیچ گاه از مبارزه برای تحقق آرمان های ملی و رهایی میهن از استبداد و استعمار و رسیدن به آزادی و رفاه طبقات محروم ایران از پای نایستاد و نا امید نشد.

دکتر پرویز ورجاوند در همه دوران زندگی پرافتخار خویش مدافع خستگی ناپذیر منافع ملی ایران بود. او اعتماد به نفس ملی را که در برتو نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق آموخته بود، در عمل بکار بسته و نشان داد که می توان در همه زمینه ها به مبارزه با استبداد و استعمار رفت.

متأسفانه بیماری مجال خدمت بیشتر به مردم ایران را از وی گرفت و نتوانست مأموریت نا تمام خود را در دفاع از مردم و سرزمین ایران به سرانجام برساند و قلبی که مالمال از عشق به میهن و در آرزوی همبستگی همه نیروهای ملی و ایران دوست بود، زیرمسولیت های سنگین سیاسی و فشارهای متعدد حکام جمهوری اسلامی به ناگاه در صبحگاه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۶ از حرکت باز ایستاد.

فقدان این چهره ملی پر تلاش، برای مجموعه نیروهای ملی و وطن دوست سخت و ناگوار است، او در کنار نهال برومند نهضت ملی، مظهر توانستن و شدن بود.

جبهه ملی ایران - اروپا با اندوهی وصف ناپذیر، ضایعه دردناک و جبران ناپذیر درگذشت دکتر پرویز ورجاوند، عضو شورای مرکزی، شورای رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران رابه خانواده محترم ایشان، ملت ایران، جبهه ملی ایران و دوستان ایشان تسلیت می گوید.

جبهه ملی ایران - اروپا

بیانیه جبهه ملی ایران

بقیه از ص ۱
در مراحل بعد، در هر مورد و هر مرحله، جبهه ملی ایران نسبت به عملکردهای نادرست حاکمیت در قبال سیاست خارجی، طولانی ساختن جنگ، از دست دادن فرصت های طلایی در آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اشتباههای کلان در برنامه های اقتصادی، برخوردهای غیر فرهنگی، فشارهای شدید بی در پی بر نقد کنندگان حاکمیت، تا حذف فیزیکی آنها در جریان قتل های زنجیره ای، برخوردهای پلیسی - امنیتی با جامعه، در تنگنا قراردادن آن، به شهادت اعلامیه ها، نشریه پیام جبهه ملی، مصاحبه ها و سخنرانیهای پر شمار شخصیت های سرشناس

تسلیت

درگذشت ناگهانی شادروان پرویز ورجاوند سخنگوی شورای مرکزی جبهه ملی ایران را که از کوشندگان دیربای جبهه ملی و پیرو راستین اندیشه های بزرگ مرد تاریخ معاصر ایران دکتر محمد مصدق بود، به بازماندگان آن روانشاد و همه هواداران جبهه ملی، حزب ملت ایران، حزب ایران و سایر ملی گرایان صمیمانه تسلیت می گوئیم.

خود، موضع گیری نمود که هزینه های سنگین آنرا هم با جان و دل پرداختند. طی سالهای گذشته، هربار که پتک بدستان نیروهای انتظامی، از فراز بامهای خانه های مردم، به حریم امن آنها، هجوم بردند و به شکستن گیرنده های ماهواره ای پرداختند، فریاد برآوردیم که در دنیای گسترده اطلاع رسانی امروز، این شیوه های فاشیستی دیگر کاربرد ندارد. شما اگر اعتقاد دارید که این رسانه های پر شمار بدآموزی دارند، باید صدا و سیما را از یکنواختی، جز برخی استثناءها، از بی محتوایی برنامه های سر تا به پا غم انگیز و بی نشاط بیرون آورید و در تمامی زمینه ها به آن جاذبه بیخشید تا مردم به گونه ای خود خواسته به آن اقبال نشان دهند و فرصت از رسانه هایی که به باور شما جهت دار عمل می کنند گرفته شود. در غیر اینصورت، با پتک و با طوم و سرنیزه نمی توان به جامعه تشنه خبر و تحلیل های گوناگون، فیلم ها و نمایش های شاد و سرگرم کننده و موسیقی متنوع و شاد و بسیاری برنامه های دیگر برخورد کرد.

هموطنان عزیز، در طی حدود بیست ماه گذشته نیز انطباق نداشتن عملکرد های دولت جدید را با صراحت در تمامی زمینه ها و موارد با بدست دادن تحلیل های روشن به آگاهی همگان رسانده و مکرر در مکرر هشدارهای لازم را به حاکمان بر قدرت نشسته دادیم و یاد آور شدیم که راهی را که برگزیده اند کشور را به ورطه هولناکی خواهد کشاند. بارها یاد آور شدیم که بیش از این فضای جامعه را نبندید و با مردم به عنوان رعیت و فرمانبردار برخورد نکنید. دهانها را با تهدید نبندید و قلم ها را با زندانی کردن صاحبان اندیشه و روزنامه نگاران نشکنید. دانشجویان را در گروههای پر شمار بازداشت نکنید یا از ادامه تحصیل محرومشان نسازید. با سیاست های نادرست اقتصادی که چرخهای تولید کارخانه ها را از کار انداخته است، در قبال حق طلبی کارگران شریف که به صورت مسالمت آمیز دست به تحصن می زنند، با خشونت و به زندان افکندن و بی سرپرست گذاردن خانواده های پر شمارشان برخورد نکنید. به تظاهرات آرام و گردهمایی های زنان آزاده کشور که در طلب ابتدایی ترین حقوق مسلم خویش هستند و می خواهند فضای لازم برای مشارکت هر چه گسترده تر در ساختن کشور و جامعه خود بدست آورند، یورش نبرید و همسران و مادران را از کاشانه و کودکان خویش جدا نسازید و در کنار تبهکاران و فاسدان به زندان ها نیاندازید. جامعه آموزگاران و دبیران را به عنوان پرورش دهندگان نسل امروز برای خدمت هر چه بیشتر و آگاهانه تر به میهن خویش در فردا ارج نهدید و شرایط رفاهی دست کم نسبی را برایشان فراهم آورید. ولی هیچگاه گوش شنوایی نبود، به گرد همایی های مسالمت آمیز و آرام آنها چه

بقیه در ص ۷

خبرهای ورزشی از: مهرداد علی بابائی

پهلوانان ایران قهرمان کشتی آزاد آسیا شدند

تیم کشتی آزاد ایران در بیستمین دوره مسابقه های کشتی آزاد آسیا برای هجدهمین بار به مقام قهرمانی رسید. سرمربی گری پهلوانان پیروز ایران را علی رضا حیدری، قهرمان پُر آوازه سابق جهان بر عهده داشت. در این دوره مسابقه ها پهلوانان ایران با کسب سه نشان طلا، دو نقره و دو برنز به تلاش های خود پایان دادند. پهلوانان طلای ایران: حسن طهماسبی در وزن ۶۶ کیلوگرم، مهدی منصوری در ۸۴ کیلوگرم و فردین معصومی در ۱۲۰ کیلوگرم بودند.

مصطفی جوکار در ۷۴ کیلوگرم و امیر گنجی در ۹۶ کیلوگرم نشان نقره گرفتند. عباس دباغی در ۵۵ کیلوگرم و مهدی تقوی در ۶۰ کیلوگرم موفق به دریافت برنز گردیدند.

پهلوانان ایران قهرمان کشتی فرنگی آسیا شدند

پهلوانان کشتی فرنگی ایران با کسب سه نشان طلا، دو نقره و دو برنز و کسب ۶۸ امتیاز قهرمان هجدهمین دوره مسابقه های کشتی فرنگی آسیا شدند.

طلایی های ایران: حمید سودیان، سامان طهماسبی و قاسم رضایی بودند. مهدی شریبانی و عمید باوفا نشان نقره و علی محمدی و مجتبی باباجان زاده نشان نقره گرفتند. مسابقه های این دوره آسیا در قرقیزستان برگزار شد.

تیم والیبال جوانان ایران قهرمان آسیا شد

در مسابقه های والیبال نوجوانان آسیا که در کشور مالزی برگزار شد، نوجوانان والیبال ایران به مقام نخست رسیدند و موفق به کسب قهرمانان اجازه حضور در جام جهانی مکزیک شدند.

تیم تکواندوی ایران نایب قهرمانی جهان شد

در هجدهمین دوره مسابقه های تکواندو قهرمان جهان در رشته مردان که در چین برگزار شد، تیم تکواندوی ایران با دو نشان نقره و یک برنز و کسب ۴۴ امتیاز به مقام دوم جهان دست یافت.

ایران در مسابقه های سال ۱۹۹۹ کانادا و ۲۰۰۱ کره جنوبی و ۲۰۰۳ آلمان و ۲۰۰۵ اسپانیا نیز به مقام دوم قهرمانی رسیده بود. در این دوره مسابقه ها مرتضی رستمی در وزن بالای ۸۴ کیلوگرم و امید غلامزاده در ۶۷ کیلوگرم نشان نقره و هادی ساعی کاپیتان تیم ملی در وزن ۷۲ کیلوگرم نشان برنز گرفتند.

تیم والیبال پیکان قهرمان آسیا شد

تیم والیبال باشگاه پیکان پس از شکست دادن تیم الهلال عربستان سعودی در بازی نهایی مسابقه های آسیا - که در منامه بحرین - برگزار شد، به مقام قهرمانی هجدهمین دوره بیکارهای والیبال آسیا رسید.

با پیروزی امسال، تیم والیبال پیکان برای سومین بار است که به مقام قهرمان آسیا دست می یابد. یکبار در سال ۲۰۰۲ و بار دیگر در سال ۲۰۰۶ به مقام قهرمانی آسیا دست یافته بود.

این پیروزی را به جوانان و نوجوانان ورزشکار خود صمیمانه شادباش می گوئیم.

بیانیه جبهه ملی ایران

بقیه از ص ۶

انگ ها که زده نشد و چه برخوردهای خشنی که با آنها صورت نگرفت. ما بارها فریاد برآوردیم که نحوه برخورد شما با نوجوانان و جوانان کشور در زمینه های مختلف از جمله نحوه پوشش آنها و بازداشتنهای پر شمار آنها اثری در تغییرات مورد دلخواه شما نخواهد داشت، بلکه سبب خواهد شد که روحیه واکنشی را در آنها تشدید کند و بخش عمده ای از نیروهای جوان را به عصیان بکشاند. سالهاست که جامعه ایران تجربه آنرا دارد که هر وقت بر شدت بحرانهای کشور در زمینه سیاست خارجی و بالا گرفتن تنش و برخورد تند دنیا با حاکمیت افزوده شده و دستگاه خود را در بن بست شدید دیده است، هرگاه که فشار اقتصادی فریاد اکثریت عظیم جامعه را به آسمان رسانیده و بر اثر نبود برنامه و نا آگاهی مسئولان و سپردن کارها بدست افراد غیر کارشناس و فاقد توان مدیریت در تمامی بخش های تولید رکود بیشتری پدید آمده و فرار سرمایه از کشور که از فریاد انقلاب آغاز گشته ابعاد گسترده تری یافته است، حاکمیت راهی جز افزودن بر شدت عمل و سرکوب مردم در کوچه و خیابان و شدت بخشیدن بر روند احضارها و بازداشتها و برخورد قهرآمیز با مردم به جان آمده، در اینجا و آنجا در پیش نگرفته است. عملکرد نادرستی که هر بار بر فاصله میان ملت و حاکمیت افزوده است. این روند فزاینده چنانست که بیم آن می رود که سیاست های خاص جهانی که با قدرت برآند تا در منطقه دگرگونیها اساسی پدید آورند، با آگاهی از ناراضیتهای گسترده مردم، در بخش هایی از کشور آشوبهایی پدید آورند که یکپارچگی کشور و وحدت ملی را هدف قرار دهد، پدیده شومی که جبهه ملی ایران بارها درباره آن هشدار داده است.

در پایان یادآور می شویم که تا بیش از این فرصت از دست نرفته است، حاکمان بخود آیند و مدیریت کلان کشور را به خواست ملت ایران در چارچوب یک انتخابات آزاد به نیروها و جریانهای ملی بسپارند که قادر خواهند بود تا برای رهایی کشور طرحی نو در اندازند و با حمایت ملت، کشور را از بحرانهای شدید و فاجعه آمیز رهایی ببخشند.

سوم اردیبهشت ۱۳۸۶

در اوضاع حساس کنونی، باعث شادی دشمن ... بقیه از ص ۵
شاه طوری سخن نگوییم که رژیم اسلامی برای مشروعیت خود استفاده ببرد، چراکه این رژیم بارها به ملت بی پناه ایران گفته است که به حکومت رسیدن آخوندها به حاکمیت ایران یک "موهبت الاهی" است که نسیب ملت ایران شده است و ملت ایران باید همیشه شکرگذار باشد که آنها ملت ایران را از دست رژیم شاه برای همیشه نجات داده اند. من خود یک جمهوریخواه پارلمانتاریسم هستم اما از همکاری با هر ایرانی که در راه محو کامل رژیم اسلامی، تضمین حقوق اقوام در ایران، تامین حقوق شهروندی برای مردم ایران، اجرای تمام و کمال حقوق بشر و کنوانسیونهای الحاقی آن در ایران، آزادی بیان و نشر و آزادی دمکراسی، با هر مرام و نظام فکری آماده رایزنی و کارپردازی می باشم. و اینکه آن شخص بدنبال نظام مشروطه می باشد به بنده سرایت نخواهد کرد. اما در یک مورد باید با آن شخص به این توافق اصولی برسم که نظام آتی ایران را نه من تعیین می نمایم نه ایشان!! بلکه این مردم ایران هستند که با هوش و ذکاوت و خرد جمعی خود شکل نظام آینده ایران را تعیین خواهند کرد. ما تنها ماموریت داریم مردم را اتحاد ببخشیم تا رژیم را به پائین بکشند و زمینه بر گزاری یک همه پرسی همگانی زیر نظر مراجع ذی صلاح را فراهم بیاوریم نه بیشتر!!
به امید آرزو

متن سخنرانی گردهمایی پاریس

بقیه از ص ۳

بهار سعید

حکومت جمهوری اسلامی جز فلاکت و بدبختی برای ملت ایران ارمان دیگری نداشته. بنابراین اگر ملت ایران بیش از حد نسبت به این رژیم بدبین و از آن رضایتی ندارد، یک حقیقتی انکار ناپذیر می باشد.

همرزمان گرامی،

چنانچه به تاریخ ملل جهان رجوع کنیم و به جریانات سیاسی توجه کرده و رویدادها و تحولات ممالک جهان را بخصوص در قاره آسیا و آفریقا از مد نظر بگذرانیم، خواهیم دید که در ارتباط با قیام ملت ها بخاطر بدست آوردن حق و حقوق خود، بخصوص آزادی و رهایی از ظلم و ستمی که دولتهای دیکتاتور به آنان روا می داشتند، از میان توده مردم شخصیت هایی بلند شدند که بعدها در اثر فداکاری و خدماتی که از خود بروز دادند، نام و صفت رهبری را از آن خود کردند. این موهبتی است که زیننده هر پیکری نیست، مگر که جنم و شخصیت لازمه را داشته باشد.

در مورد ایران و ملت ایران هم باید بهمین نحو قبول و عمل کرد. نجات ملت ایران نیاز به یک رهبری دارد. حال این رهبری می خواهد توسط فرد و یا گروهی صورت گیرد می باید از هر نظر لیاقت چنین موهبتی را داشته و نیرو و ظرفیت لازمه را داشته باشد که از عهده این چنین مأموریت خطیری برآید و بتواند ملت ایران را به آمل و آرزوهایش که نجات از دست دژخیمان و رسیدن به آزادی می باشد برآورده سازد. کسانی می توانند به این درجه ارتقا پیدا کنند که پشتیبانی ملتها را بدست آورده و آنان را بحرکت در آورند که با ایمان به اعتقادشان و ثبات در آن وارد گود مبارزات سیاسی شده و با شهامت بسیار و از خودگذشتگی بدور از هر نوع خودخواهی و منافع شخصی، صادفانه پرچم رهبری مبارزات را بدست گرفته و با حضور خود در عرصه مبارزات مشوق و راهنمای دیگران باشد.

سقوط این نظام عملی و حتمی است، اما باید ما مردم ایران با توجه به تاریخ کهن خود غیرت بخرج داده و با تمام نیرو در مقابل آن قد علم نماییم و با از خودگذشتگی بمبارزه با استبداد مذهبی بپردازیم تا اینکه نظام جمهوری اسلامی بزانو در آید.

یکی از راه کارها برقرار کردن رابطه با مراجع و سازمان های بین المللی می باشد که مسئولیت حفظ و برقراری امنیت و اجرای مصوبات حقوق بشر را عهده دار هستند. باید سعی نمود ماهیت واقعی و عملکرد حکومت جمهوری اسلامی که خلاف حقوق و شئون انسانیت می باشد را با ارائه مدارک لازمه برای آنان تشریح نمود و از آنان بخواهیم تا از مبارزات مردم ایران برای رسیدن به آزادی و تغییر نظام دیکتاتوری مذهبی به یک نظام مردمسالار که تضمینی است برای امنیت جهان حمایت بعمل آورند.

خوشبختانه مقاومت و اعتراضاتی که اخیراً از طرف زنان و مردان آزاداندیش بخاطر تجاوزات اجتماعی و حقوقی از جانب نظام صورت گرفته با پشتیبانی وسیع مردم بخصوص جوانان و دانشجویان مواجه گردید.

مبارزات و تظاهرات اخیر مردم ایران نشانه ای است از قطع امید شدن و به تنگ آمدن از دست این حکومت است.

این عکس العمل ها گویای عزم راسخ و تصمیم جدی مردم ایران نسبت به برکناری این نظام می باشد. این وظیفه گروه های ملی می باشد که این پیام نویدبخش از درون را مورد استقبال قرار داده و با تمام امکانات از این مبارزه دلیرانه در درون کشور حمایت بعمل آورند.

مجدداً تکیه بر این میکنیم، تنها با همبستگی نیروهای ملی و اتکاء به خواست و نیروی ملت مبارز ایران میتوان بر استبداد مذهبی پیروز شده و به اهداف ملی نائل شد.

در خاتمه ضمن سپاس فراوان از لطف و توجه شما هم میهنان گرامی، از ایزد یکتا صمیمانه میخواهیم، تا کسانی را که صادفانه در جهت همبستگی نیروهای ملی و موفقیت آنان گام برمیدارند، از گزند اهریمن دور نگهدارد.

پرده

سیه چادر مرا پنهان ندارد

نمای رو، مرا عریان ندارد

چو خورشیدم، ز پشت پرده تابم

سیاهی ها نمی گردد نقابم

نمی سازد مرا در پرده پنهان

اگر عابد نباشد دست ایمان

تو کز شهر طریقت ها بیایی

به موی من چرا ره گم نمایی؟

نخواهم ناصالح وارانہ کارم

که پای ضعف «تو» «من» سرگذارم

کی انصافی در این حکمت ببینم

گنه از تو و من دوزخ نشینم

به جای روی من ای مصلحت ساز!

به روی ضعف نفست پرده انداز

خانم بهار سعید، متولد ۱۳۳۲ در کابل است. سروده های او در کتاب «شکوفه بهار» در سال ۱۳۷۳ در کالیفرنیا، آمریکا به چاپ رسیده است.

✽ ✽

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و

دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از

کشور انتشار می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران

خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.